

پیوند ادبیات با تاریخ

بررسی مصادیق نظم و بی‌نظمی بر اساس نظریات «نظم اجتماعی» در کتاب تاریخ و صاف

زهره تمیم داری، دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی

زینب اسلامی، دانشجوی دکترای فلسفه معاصر

مقدمه

بدون شک کتاب «تاریخ و صاف» از مصادیق پیوند تاریخ و ادبیات است؛ کتابی ارزشمند که از یکی از مهم‌ترین مقاطع تاریخی و فرهنگی کشور عزیزمان سخن می‌راند و در کنار کتاب‌های «تاریخ جهان‌گشای» جوینی، «جامع‌التواریخ» رشیدالدین فضل‌الله و تاریخ گزیده حمدالله مستوفی ارکان اربعه تاریخ مغول را در وجود می‌آورد.

پژوهش حاضر ضمن معرفی مختصر این کتاب و اشاره به حوادث عصر ایلخانی و نظریات جامعه‌شناسی نظم، مؤلفه‌های نظم را در خلال روایات تاریخی این کتاب ارزشمند بررسی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: نظم اجتماعی، امنیت، تاریخ و صاف، ایلخانان

کتاب «تجزیه‌الامصار و تزجیه‌الاعصار» (پراکنده شدن شهرها و گذشت روزگاران) معروف به «تاریخ و صاف» در پنج جلد به رشته تحریر در آمده است؛ محتوای آن شامل تاریخ ایلخانان مغول و تاریخ ملوک و امرای اطراف است و وقایع سال‌های ۶۵۶ تا ۷۲۸ ه. ق را در بر می‌گیرد (بهار، ۱۳۷۳: ۱۰۰). شهاب‌الدین یا شرف‌الدین عبدالله بن فضل‌الله شیرازی معروف به و صاف‌الحضره و متخلص به شرف، در شیراز تولد یافته و پس از تحصیل علم و ادب و زبان عربی به کارهای دیوانی اشتغال یافته است، مردی فاضل و ادیب که هدفش از نگارش کتاب آن بوده است که تا روزگار خویش، دنباله و ذیلی بر تاریخ جهان‌گشای جوینی را به نگارش درآورد. نثر کتاب او بسیار دشوار و همراه با اطناب است و از این رو استفاده تاریخی از آن مشکل است؛ حال آنکه به لحاظ تاریخی کمال اهمیت را دارد. خوشبختانه تحریر ساده و روان استاد **عبدالمحمد آیتی** امکان بهره‌مندی از این اثر و بررسی آن را در اختیار پژوهندگان قرار

می‌دهد. اصل کتاب به صورت چاپ سنگی است که یک بار در بمبئی و یک بار در تهران به چاپ رسیده و نسخه‌های آن در کتاب‌خانه ملی موجود است.

کتاب در پنج جلد به شرح زیر طبقه‌بندی شده است:

جلد اول: از وفات منکوقسا آن تا گرفتاری صاحب دیوان و قتل او؛

جلد دوم: از ذکر دودمان سلغری تا صفت

حال اتابکان لر؛

جلد سوم: از به تخت نشستن گیخاتوخان تا اصلاحات غازان خانی؛

جلد چهارم: از جنگ غازان خان با ممالیک مصر و شام تا انجام آن و نیز ذکر پاره‌ای از احوال مغولان و ویژگی‌های چنگیز...؛

جلد پنجم: وقایع دوران اولجایتو و ابوسعید مغول.

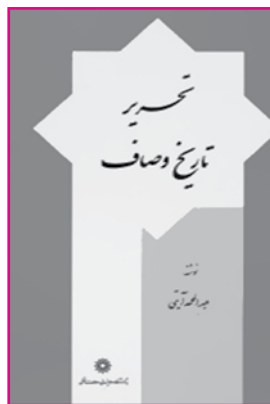
تقسیم‌بندی کتاب بر اساس مفاهیم

می‌توان مفاهیم کلی موضوعات طرح شده در کتاب را به این شرح دسته‌بندی کرد^(۱):

۱. مفاهیم سیاسی: ویژگی‌های مغولان، اختلافات شاهزادگان و سرداران، نبرد با ممالک دیگر...؛

۲. مفاهیم اقتصادی: تجارت و بازرگانی، زراعت و کشاورزی، اصلاحات اقتصادی غازان‌خان، فساد مالی و اختلاس...؛

۳. مفاهیم اجتماعی: موقعیت اجتماعی علما و مشایخ، اوضاع اجتماعی شهرها و وضعیت تصرف کشورها، روابط میان مردم با یکدیگر و نیز با حکام و سرداران، اصلاحات اجتماعی دوره غازان‌خان و وضعیت تصوف؛



«فقدان یا کاهش تهدید» یعنی عامل عینی نیز آنگاه مؤثر است که وجود آن «احساس» شود؛ چرا که تصور ناامنی، خود ناامن‌ترین شرایط را در پی دارد و بدین ترتیب حتی در صورت فقدان تهدید هم امنیت محقق نخواهد شد. لذا تعریف امنیت آمیزه‌ای از وضعیت فیزیکی و حالت فکری است

مصادیق بی‌نظمی در کتاب تاریخ و صاف

براساس نظر توماس هابز، که از نظریه‌پردازان اجتماعی مکتب «کارکردگرایی» است، انسان‌ها در حالت طبیعی موجوداتی کاملاً ستیزه‌گر و سودجو هستند که صرفاً در جهت ارضای امیال خود عمل می‌کنند اما برای رسیدن به خواسته‌های خویش به منابع کافی دسترسی ندارند. گرچه از دید مباحث اخلاقی و کرامت انسانی بر این نظر نقدهایی وارد است اما در باره‌های ایلخانی می‌توان مصادیق آن را به وضوح مشاهده کرد. یکی از پیامدهای این فرض آن است که در شرایطی «رقابت» مبنای روابط انسانی می‌شود؛ زیرا هر فرد، دیگری را مانعی بر سر راه ارضای نیازهایش می‌بیند. پیامد دیگر، ایجاد هرج و مرج و نظم است و اینکه در چنین جامعه‌ای امنیت برای هیچ‌کس وجود نخواهد داشت؛ مگر آنکه انسان‌ها به «قراردادهای اجتماعی» تن دهند (ورسلی، ۱۳۸۸: ۷-۱۲).

شاید چشمگیرترین موضوعی که در سراسر تاریخ و صاف از آن سخن می‌رود، همین رقابت شاهزادگان، سرداران و امرای مغول باشد؛ رقابت‌هایی خونین که علاوه بر آشفته کردن دستگاه مرکزی حکومت، مشکلات فراوانی را به همه سطوح جامعه تسری می‌دهند.

در آغاز کتاب و صاف، از اختلاف اریغ بوکا (برادر کوچک‌تر) و قبلا (برادر بزرگ‌تر)، که از برادران منکوقاآن هستند، برای رسیدن به مقام خانی و ایجاد دو دستگی در طرفداران حکومتی، سخن می‌رود. همچنین، یکی از وقایعی که پس از فتح بغداد رخ می‌دهد، بروز اختلاف میان هولاکو و برکه اغول است که بر سر تصرف نواحی اران و آذربایجان و دست‌درازی به املاک یکدیگر به آتش کینه و جنگ دچار می‌شوند. از لشکر برکه اغول عدّه کثیری از مردمان کشته می‌شوند و با آنکه وی منهزم می‌گردد و با سپاه پا به فرار می‌گذارد، هولاکو دست بر نمی‌دارد و از روی آب‌های یخ بسته به تعقیب رنج‌بار وی ادامه می‌دهد.

غم‌انگیزترین واقعه‌ای که در این نبرد روی می‌دهد این است که هر دو سردار برای انتقام از یکدیگر و بسته شدن باب تجارت، عدّه کثیری از بازرگانان شهرها را غارت می‌کنند.

از جمله حوادث فرعی پس از مرگ هولاکو، جانشینی مبارکشاه به جای آلعو و اعتراض براق با زبان لشکرکشی به

۴. مفاهیم نظامی: جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها، مهارت‌ها و فنون جنگی مغولان.

نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی

به طور کلی جامعه‌شناسی دو مسئله اساسی دارد. یکی مسئله نظم که به «مسئله هابزی»^(۱) معروف است و دیگری مسئله تغییر که از آن به «مسئله مارکسی» تعبیر می‌شود. مسئله هابزی در صدد است که به سؤالاتی از این دست پاسخ دهد: نظم اجتماعی چگونه به وجود می‌آید؟ و چگونه دوام پیدا می‌کند و با همه کمبودها به طور نسبی پایدار باقی می‌ماند؟ در مسئله مارکسی نیز سؤال‌های اساسی این‌ها هستند: جامعه چگونه تغییر می‌کند؟ ساز و کارها و عوامل تغییر چیستند و چه انواعی دارند؟ (چلبی، ۱۳۸۲: ۱۱).

گروهی از جامعه‌شناسان همچون پارسونز و دورکیم که به نظریه‌پردازان نظم شهرت دارند به مسائل ماهوی نظم می‌پردازند. در کنار آن کسانی چون اگوست کنت قرار دارند که طرفدار وضع موجود و حفظ تعادل و وفاق اجتماعی هستند. گروه دیگری از جامعه‌شناسان، همچون مارکس، که نظریه‌پردازان تغییر هستند، مسائل عارضی نظم را مورد توجه قرار می‌دهند و با تأکید بر اصل «تضاد» بر مفاهیمی چون استثمار و استبداد متمرکز می‌شوند.

با همه تلاش‌هایی که برای ارائه تعاریف تخصصی «نظم» صورت می‌گیرد، به نظر می‌آید در ذهن عموم انسان‌ها مفهوم مشترک و روشنی از نظم وجود داشته باشد که در برابر آن مفاهیمی چون هرج و مرج و آشفته‌گی قرار می‌گیرند. امنیت نیز در تقابل با خوف و تهدید و هراس تبیین می‌شود. براساس تعریف متداول در فرهنگ سیاسی کنونی، «فقدان یا کاهش تهدید» عنصر اساسی مفهوم امنیت است که البته این تعریف به نسبی بودن مقوله امنیت و چندوجهی بودن آن اشاره دارد. «فقدان یا کاهش تهدید» یعنی عامل عینی نیز آنگاه مؤثر است که وجود آن «احساس» شود؛ چرا که تصور ناامنی، خود ناامن‌ترین شرایط را در پی دارد و بدین ترتیب حتی در صورت فقدان تهدید هم امنیت محقق نخواهد شد. لذا تعریف امنیت آمیزه‌ای از وضعیت فیزیکی و حالت فکری است (اسماعیلی، ۱۳۷۹: ۲۶۴).



می‌کنیم که با انواع مصائب و جنگ‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند. بدیهی است که این مشکلات به همراه فقر و نابسامانی‌های دیگر می‌تواند به تضعیف و انحطاط اصول اخلاقی منجر شود؛ چنان‌که در روایات دینی نیز کفر و فقر دو روی یک سکه شمرده شده‌اند. به بیان حضرت علی (ع)، که نماد اعلائی برقراری نظم و عدالت است، تفرقه و درگیری داخلی موجب انحطاط است؛ به همین دلیل ایشان خود را جدی‌ترین مردم در برقراری وحدت داخلی می‌دانند.^۳

یکی از مهم‌ترین مسائل تاریخی که این کتاب به آن می‌پردازد، ماجرای سرنگونی خلیفه عباسی و فتح بغداد است. نویسنده مصرانه بر آن است که خیانت ابن علقمی وزیر به خلیفه المستعصم بالله، مهم‌ترین علت سقوط بغداد است. از جمله دلایل آزرده‌گی ابن علقمی که مردی فاضل بوده، بی‌احترامی مقربان خلیفه به وی است. همچنین، این اقدام نابخردانه و خلاف شأن خلیفه که دستور می‌دهد محله شیعه‌نشین کرخ را غارت و برخی سادات بنی‌هاشم را اسیر کنند، وزیر را که به تشیع اعتقادی راسخ دارد، بر آن می‌دارد که خلیفه و اتباع او را از دم تیغ بگذرانند. به همین دلیل به قدرت و مهابت هولاکو متوسل می‌شود. خلاصه کلام آنکه سپاه مغول وارد بغداد می‌شود و «آن‌قدر مردم را می‌کشند که نه‌ری چون نیل از خون کشتگان روان می‌شود» (آیتسی، ۱۳۸۳: ۲۸ و ۲۹). همچنین، «به فرمان ایلخان تا چهل روز در بغداد به قتل و غارت و خراب کردن خانه‌ها و محلات می‌پردازند» (همان: ۳۱). پس از آنکه مال جهان اندوخته و شهرها و دیه‌ها سوخته می‌گردد، فتح‌نامه‌ای نوشته می‌شود و در آن، قوم مغول سپاهیان خداوند خوانده می‌شوند که خداوند آنان را بر هر مردمی که مورد خشم الهی باشند، مسلط می‌گرداند (همان: ۳۲). گرچه جفاهایی که از سوی خلیفه بر شیعیان و نیز ابن علقمی روا داشته شده، بس عظیم و دل‌آزار است اما به هر روی راه بخردانسه مقابله با آن، «خیانت» وزیر نتواند بود؛ زیرا نقش ابن علقمی به عنوان یکی از عناصر مهم سوختن و کشتن و در رنج افکندن مردم و فقیر کردن بازماندگان و زندگان، قابل تأمل است. جالب‌تر آنکه هولاکو خان نیز پس از این پیروزی به ابن

فرمانروایی وی است. براق موفق می‌شود مبارک‌شاه را منهزم کند و بر تخت بنشیند اما این پیروزی چندی نمی‌پاید و با حمله سهمگین و ناگهانی قیدو (نبیره اوکتای قآن) مواجه می‌شود. براق پا به فرار می‌گذارد و در نواحی سمرقند و بخارا به جمع‌آوری سباز و برگ می‌پردازد. این امر باعث عذاب مردمان این نواحی می‌شود. وی دستور می‌دهد هر گاوی که یابند بکشند و از پوست آن سباز سازند. در اینجا نویسنده کتاب جمله مشهور خود را در باب جور این طایفه بیان می‌کند که «الحق سپری که از پوست گاو پیرزنان سازند، تیر حوادث را نیکو دفع کند!» (وصاف الحضرة، بی‌تا: ۴۸).

سیاست‌های تنش‌آفرین: خیانت و دسیسه

از جمله آفت‌های اخلاقی جوامع بحران‌زده، خیانت و نیرنگ‌پردازی و توطئه است که همه اندیشمندان بر تقبیح این ناهنجاری‌های اخلاقی متفق‌القول هستند. دورکیم برای اولین بار در کتاب «قواعد روش جامعه‌شناسی»، با طرح نظریه «وجدان جمعی»، آن را به عنوان «واقعیت عینی، والا و متمایز از وجدان‌های فردی به منظور تبیین امر اجتماع» به کار برده است (پیرو، ۱۳۶۶: ۵). از نظر دورکیم، با توسل به اخلاق می‌توان بر ناهماهنگی، آشوب و رکود جامعه چیره شد. بنابراین، تعهد اخلاقی را می‌توان همچون پادزهری برای وضعیتی که در نتیجه کاهش تعهد مذهبی پدید آمده است، در نظر گرفت (گیدنز، ۱۳۸۱: ۲۹).

به هر روی، در عصر ایلخانی با فرمانروایی روبه‌رو هستیم که بسیاری از آنان فاقد مذهب مشخص و یک طریقه معلوم برای سلوک اخلاقی و انسانی هستند - نیز سیمای مردمی را مشاهده

براق دستور می‌دهد هر گاوی که یابند بکشند و از پوست آن سباز سازند. در اینجا نویسنده کتاب جمله مشهور خود را در باب جور این طایفه بیان می‌کند که «الحق سپری که از پوست گاو پیرزنان سازند، تیر حوادث را نیکو دفع کند!»

علقمی التفات نمی‌کند و می‌گوید که کسی را که به ولی نعمت خود خیانت ورزد، نتوان مورد مرحمت قرار داد (همان: ۳۰).

بر طبق روایت تاریخ و صاف، در سال‌های بعد بر دیوارهای شهر با خطوط گوناگون می‌نوشتند: «لعن الله من لا یلعن ابن العلقمی» (همان: ۳۱).

از موارد دیگر توسل به نیرنگ و ریا می‌توان به روابط سلطان احمد تکودار و ارغون اشاره کرد که بعد از اختلافات دیرینه، یکدیگر را در کنار می‌گیرند و سلطان به ارغون خان حکمرانی خراسان را وعده می‌دهد اما روز بعد الیناق را می‌فرماید تا ارغون را به قتل برساند. آنگاه عده‌ای از بزرگان علیه سلطان احمد توطئه می‌کنند و بر آن می‌شویند که او را از تخت به زیر کشند و ارغون را به خانی بردارند. در همین اثنا شبانه به خوابگاه الیناق می‌روند و او را با پشه خانه‌ای که در آن خفته بود، پاره پاره می‌کنند و از پای درمی‌آورند... (همان: ۸۷).

گرچه و صاف الحضرة، خود از دیوانیان مغول بوده و کتاب خویش را به غازان خان و الجایتو اهدا کرده است، این گونه نیست که مطالب کتابش صرفاً در تعریف مغولان و تأیید مظالم آنان باشد، بلکه به تناوب و در مقاطع گوناگون می‌کوشد با محکوم کردن کردارهای ناپسند، علل تیره‌روزی مردم و ناکامی حکام بیگانه را بنمایاند

خشونت طلبی و انتقام

جامعه‌شناسان غربی در اینکه عامل وحدت جامعه و نظم اجتماعی چیست، هم‌نظر نیستند. دورکیم و کنت بر عامل «مذهب» و «اخلاق» در قالب قواعد اخلاقی تکیه می‌کردند و معتقد بودند ضمن آنکه افراد با درونی کردن اخلاق، از هنجارها پیروی می‌کنند، قوانین اجتماعی نیز افراد سودجو را محدود و آنان را مجازات یا تربیت و اصلاح می‌کند. تضادگرایان بر نقش طبقه مسلط تأکید می‌کردند و می‌گفتند طبقه مسلط با ابزارهای متعددی که در دست دارد، قادر است نظم صوری را در جامعه برقرار کند (یوسف‌زاده، ۱۳۸۵: ۵۳). در عصر ایلخانی با جامعه‌ای درباری مواجهیم که عموم افراد آن جز منفعت شخصی به چیز دیگری نمی‌اندیشند؛ نه تنها برقراری نظم در طبقات اجتماع و میان ارباب حرف دغدغه آنان نیست، بل توسعه قدرت و سرکوب خارج از حد مخالفان، آنان را به‌عنوان عوامل برهم زننده نظم و

امنیت نمایان می‌کند. بدین ترتیب، نه هنجارهای اخلاقی و انسانی تبلیغ می‌شود و نه طبقه حاکم از استیلاي خود برای سامانمندی بهره می‌برد.

از دلایل دامن‌زدن به خشونت، اعمال سلیقه‌های شخصی فرمانداران عصر ایلخانی در امور کلان‌ملک‌داری است. مثلاً آغو (آغو بن بایدوبین جغتای) همسری زیبا روی به نام هرغنه اختیار می‌کند که وی را با مسلمانان رغبتی است. هنگامی که هرغنه در حال وضع حمل از دنیا می‌رود، آغو فرمان می‌دهد که مسلمانان سمرقند و بخارا را غارت کنند و قتل عام نمایند؛ زیرا دوستی آنان با هرغنه مبارک نیفتاده است! که البته با ممانعت یکی از بزرگان ایرانی از این کار صرف نظر می‌کند (همان: ۱۳).

در دوران حکومت اباخان نیز به دلیل دشمنی و استهزایی که بین مسعودبیک و صاحب دیوان رفته است، صاحب دیوان، اباخان را به غارت و قتل شهرهای تحت سیطره مسعودبیک تحریض می‌کند. در نتیجه لشکری که به بخارا وارد می‌شود، طی هفت هفته کشتار می‌کند و هزاران نفر از مردم را به قتل می‌رساند. فرمانروایی چون خواجه بهاءالدین، ملک را به باد نابودی می‌دهد و در مدت حکومت خود چند هزار نفر را با قتل و شکنجه و مثله و سوختن به دیار عدم می‌فرستد. او حتی زمانی که بر آن می‌شود که به زعم خود عدالت را برقرار کند، آن را با مجازات‌های بیش از میزان جرم اشتباه می‌گیرد، همچون ماجرای نگهبانی که در غیاب صاحب دکان، قرصی نان برمی‌دارد و دو برابر بهای آن را بر جای می‌گذارد اما به دستور حاکم بر دار می‌شود!

آسیب‌شناسی فرهنگ مردمی در عصر ایلخانی

نمود آسیب‌های فردی و اجتماعی به صورت انحراف، خطا، بی‌نظمی و اختلال موضوعی است که افراد و جوامع در همه زمان‌ها با آن درگیر بوده‌اند. به دلیل تغییرات اجتماعی، آسیب‌ها در هر دوره‌ای متفاوت بوده است. این آسیب‌ها می‌تواند به عنوان نوعی بیماری اجتماعی مورد مطالعه قرار گیرد.

اگر از منظری کارکردگرایانه و در تمثیلی سازمانی و نظام‌دار به جامعه به عنوان بدن موجودی زنده بنگریم و نظم همان وضعیتی باشد که در آن همه چیز در جایگاه خویش قرار گرفته است و هنجار به شیوه استقرار مطلوب امور تعریف شود، بنابراین، هر چه نظم دارد بهنجار قلمداد می‌شود و آنچه بی‌نظم است نابهنجار. بنابراین، نظم و هنجار دو روی یک سکه‌اند.

از سوی دیگر، هر انسانی را «هوموداپلکس» (دارای ترکیبی از خود فردی و خود اجتماعی) خوانده‌اند. یعنی موجودی دو بخشی که هم ویژگی‌های فردی با حساسیت‌های فیزیکی و احساسات خاص خویش را دارد و هم دارای وجدان جمعی

است و جامعه نیز روح این موجود دو بخشی است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۲۳۶ - ۲۳۸).

از آنجا که آثار ادبی تجلیگاه فردیت و نیز سیمای اجتماعی مردمان اعصار گوناگون است، می‌تواند علاوه بر کارکردهای ذوقی استحسانی، کارکردهای اجتماعی نیز داشته باشد. تورقی کوتاه در آثاری چون مثنوی مولانا، دیوان حافظ، گلستان سعدی و اشعار سیف فرغانی نشان می‌دهد که دگرگون شدن مفاهیم انسانی در ایران عصر مغول و ایلخانی تا چه حد بغرنج بوده است. رشد ناهنجاری‌هایی چون ریاکاری، ارتشا (رشوه گرفتن)، خیانت، دروغ‌بافی و قساوت، از جمله این مسائل است. علاوه بر این، هنر و ادبیات نیز دچار دگرگونی‌هایی شده‌اند.

گرچه در کتاب «تاریخ و صاف» بیشتر «دربار» به عنوان جامعه در نظر گرفته شده است و آنچه به دقت شرح داده می‌شود، چیزی نیست جز بیان اختلافات و جنگ و گریزهای خان مغول و امرا و دیوان‌سالاران و... در خلال همین جنگ‌ها، سیمای مردمان شهرها با بیم‌ها و امیدها و عموماً آسیب‌هایی که به آنان روی نموده، قابل بررسی و مطالعه است.

در این کتاب، هنگامی که از «مردم» یاد می‌شود، به غارت‌ها و جوی‌های روان خون اشاره می‌شود. عیش و راحتی مردم جز در مواردی نادر و در دوره فرمانروا یا امیری عادل صورت نمی‌بندد که آن دوره‌ها نیز دیری نمی‌یابد.

طبقات مردم شامل افراد فرودست اصحاب حرف، هنرمندان، صنعتگران، پیشه‌وران و اصحاب علم و فضل و کمال یا بزرگان و ریش‌سفیدان است.

منظور از این طبقه آخر گروهی است که گاه با تدبیر خویش و تقدیم هدایا و قبول سفارت در ابراز بندگی و ایللی مردم یک شهر یا ناحیه در نزد فرمانروای مهاجم، گروه کثیری را از بلا و غارت می‌رهانند؛ مانند ماجرای خلاصی اهل حله از سطوت هلاکو که با تدبیر سه تن از بزرگان شهر صورت می‌گیرد (آیتی، ۱۳۸۳: ۲۸) یا رستن اهل دمشق که در استیصال خویش این چنین رهایی می‌یابند: «دمشقیان چون در خود یارای مقاومت ندیدند، مشایخ و معارف ایشان قرآن به دست بیرون آمدند و با پیشکش کردن هدایا و تحف مراسم انقیاد به جای آوردند و شهر را تسلیم کردند» (همان: ۳۴).

از دیگر نکات قابل تأمل در این کتاب، ماجرای قتل سید عمادالدین در دوران سلطان احمد نکودار در شیراز است؛ فردی که وصاف‌الحضرة تن او را به «جان مروت و حمیت» تعبیر می‌کند و دسیسه‌چینی و محضرنویسی برای قتل او با قلمی سوگووار حکایت می‌کند. وی در روایت خویش از دون صفتی

مردم عصر خویش به تنگ می‌آید؛ زیرا سید عمادالدین در سال ۶۸۳ هـ. ق نماز عید را در شهر برگزار می‌کند و از محبوبیت عام برخوردار است اما کمتر از یک ماه نمی‌گذرد که در ۲۱ شوال همان سال به قتل می‌رسد. در جریان قتل وی چند تن از اطرافیان او با اعدا همدست می‌گردند! در شهر نیز منادی می‌شود که چون عمادالدین فردی ستمکاره بوده، او را از میان برداشتیم؛ طبق تحلیل و صاف این امر خلاف واقع بوده است. عجیب‌تر آنکه عوام با طبل‌ها و علم‌ها شادی‌کنان فوج فوج می‌روند و به یکدیگر تهنیت می‌گویند! در این روایت مردمی که روزی با سید عمادالدین نان و نمک خورده‌اند و از وی نیکویی‌ها دیده و او را حمایت کرده‌اند، به یکباره او را فرو می‌گذارند و نمایندگان طبقات مختلف محضر ظلم وی را امضا می‌کنند. و صاف به قدری از این موضوع گله‌مند است که قحطی خانمان سوز شیراز را حاصل همین بی‌اخلاقی می‌داند. (وصاف‌الحضرة، ج ۲: ۲۱۸ - ۲۱۴).

تلاش برای برقراری «نظم» در عصر ایلخانان

استقرار نظم و امنیت از جمله مسائل بسیار مهم و مبنایی در سازماندهی امور جامعه و کارهای حکومتی است. در مباحث نظم اجتماعی دو سؤال عمده مطرح می‌شود:

۱. نظم اجتماعی چگونه به وجود می‌آید؟

۲. تداوم نظم اجتماعی چگونه ممکن است؟

وفاق و تعادل اجتماعی مورد تأکید نظریه‌پردازانی چون کنت، دورکیم و پارسونز است. برخی وفاق را به همبستگی تعبیر





اگرچه نویسنده در دربار مغولان می‌زیسته و اثر خود را در شرایط دشوار استیلای آنان نگاشته و در مواردی از معدلت مغولان داد سخن داده، در جای‌جای کتاب نیز از نشان دادن فجایع و مضایق فرهنگی و سیاسی فروگذار نکرده است

هابز)، برای رسیدن به منافع بیشتر، بر انتخاب یک فرد توافق می‌کنند و وی را به قدرت می‌رسانند: پس از مرگ منکوقاآن، برادرش اریغ بوکا دعوی‌ی خانیت می‌کند و قتلتای، که بزرگ‌ترین خاتونان منکوقاآن است و تعدادی از پسران و نیبرگان جغتایای این رأی را نصرت می‌دهند و او را به خانی برمی‌دارند (آیتی، ۱۳۸۳: ۱۰).

در به حکومت رسیدن قبلائی نیز همه شاهزادگان و خاتونان و امیران، به دل راست و قول درست خط می‌دهند که سراز فرمان قبلائی قان نیچند و در همه حال مطیع اوامر او باشند (همان: ۱۵). همچنین است تدبیر شاهزادگان در به حکومت رساندن تیمورقاآن یا حاصل وفاق در باب خانیت احمد تکودار که برای جلوگیری از اختلال بیشتر ملک، بزرگان به انتخاب وی همت می‌گمارند (همان: ۲۸۷).

تداوم نظم و پیگیری مظاهر آن پس از استقرار حکومت

در این مرحله، دومین سؤال مسئله نظم روی می‌نماید: این که نظم اجتماعی چگونه تداوم می‌یابد؟ به نظر می‌رسد که پس از جلوس خان بر تخت قدرت، مهم‌ترین دغدغه وی استقرار و سامان نظم بوده است؛ زیرا هر خانی به زعم خویش به یک مجموعه اقدامات اصلاحی دست می‌یازیده که در رأس آن‌ها، شهرت اصلاحات غازان‌خانی نمودار است.

از جمله فرمانروایانی که نویسنده آنان را به عدل و داد و سامان‌دهی امور می‌ستاید، می‌توان به قبلائی قان، قیدو، تیمورقاآن و غازان‌خان اشاره کرد. و صاف الحضرة در عدالت قبلائی می‌آورد: «قبلائی قان» چنان کرد که از تأثیر عدل او گرگ و گوسفند و باز و تیهو رسم دشمنی فراموش کردند. چون آوازه عدل و رأفتش سرتاسر آفاق را گرفت، مردم شاد شدند... ذکر انصاف و کیاست و صواب‌اندیشی.. او چنان زبانزد ساکنان آن نقاط گردید که شیوه عدل و داد شاهان گذشته را از یادها بسترد.» از دیگر اقدامات او نواختن اهل فضل، وضع خطی زیبا به جای خط اوغوری، جلوگیری از اسراف و تبذیر در عین بخشندگی و تخفیف رنج و ترفیه خاطر مردمان است.

حاکمان عادل عصر ایلخانی برای برقراری نظم، ثبات و امنیت دست به اقداماتی می‌زده‌اند که شاخص‌ترین آن‌ها عبارت است از: برانداختن دشمنان خانیت و ایجاد یکپارچگی، اسلام آوردن و احترام گزاردن به اعتقادات مردمی، کوتاه کردن دست امرای ظالم، مشورت با بزرگان ایرانی تبار و بر کشیدن وزیران دانشمند، اصلاح قوانین مالیات، ساماندهی امور لشکر و رسیدگی به وضع کشاورزان و پیشه‌وران. کتاب سوم تاریخ و صاف با

می‌کنند؛ مقدمه‌ای که به نظم منجر می‌شود. به عبارت دیگر، وفاق و همبستگی مقدمه نظم اجتماعی است. بی‌سامانی، جنگ و گریز و تیرگی مواضع سیاسی و اجتماعی صاحبان قدرت در عصر ایلخانان، بر اصحاب تاریخ پوشیده نیست اما در کتاب تاریخ و صاف به موارد و قرائنی اشاره می‌شود که تلاش‌های صورت گرفته برای برقراری نظم و امنیت به بار نشسته است بر خورداری مردمان از رفاه و شادمانی و قرار گرفتن ارباب فنون و حرف در تخصص خویش، تضمین شده و از قتل و غارت جامعه مانعت به عمل آمده است؛ و در واقع، مانند نظریه‌های نظم در اسلام، نظم با عدالت پیوندی ناگسستنی یافته است.

گرچه و صاف الحضرة، خود از دیوانیان مغول بوده و کتاب خویش را به غازان‌خان و الجایتو اهدا کرده است، این گونه نیست که مطالب کتابش صرفاً در تعریف مغولان و تأیید مظالم آنان باشد، بلکه به تناوب و در مقاطع گوناگون می‌کوشد با محکوم کردن کردارهای ناپسند، علل تیره‌روزی مردم و ناکامی حکام بیگانه را بنمایاند؛ چنان که در بخش‌های پیشین مقاله به آن‌ها اشاره کردیم.

وفاق و تعادل برای استقرار نظم و قدرت فرمانروایی

چنان‌که گفته آمد، یکی از سؤال‌های اساسی در جامعه‌شناسی نظم این است که نظم اجتماعی چگونه به وجود می‌آید. در تاریخ و صاف بارها به مواضع مغولان برمی‌خوریم که اشراف و بزرگان برای جلوگیری از آشوب بیشتر یا (طبق نظر متفکرانی چون

اصلاحات غازان خان (۶۹۴-۷۰۳ ه. ق) تحت عنوان «صادرات افعال سلطانی و مآثر معدلت غازی» پایان می‌یابد.^۶

اصلاحات وی در عرصه‌های متفاوت از جمله سیاست، اقتصاد، سپاه، علم و فرهنگ به اجرا درمی‌آید. در زمینه سیاسی بر یکپارچگی حکومت ایلخانی افزوده می‌شود و شورش‌های داخلی حکام و سرداران پایان می‌یابد. برای اداره بهتر سپاه و جلوگیری از غارتگری‌های سپاهیان، قواعدی وضع می‌شود و به موضوع مالیات‌ها، که برای مردم بسیار مشکل ساز بوده است، رسیدگی می‌شود. برخی اصلاحات وی فهرست‌وار به این شرح است:

۱. بنای شهر «اسلام اوجان» در سال ۶۰۹ ه. ق؛
۲. احداث خانقاه همدان و موقوفات آن؛
۳. یکسان کردن قانون خراج؛
۴. جلوگیری از خودسری کارگزاران مالیاتی؛
۵. منع صدور حواله‌های بدون وجه و بی‌اعتبار؛
۶. خراج کردن مسکوکات مغشوش و معیوب از چرخه پولی کشور؛
۷. ترتیب دادن یام خانه‌ها با چاپاران و خبرگزاران و پیک‌های آماده؛
۸. بازداشتن امرا و شاهزادگان و شحنگان از ورود به منازل مردم؛
۹. ثبت معاملات ملکی در دفاتر و روزنامه‌ها؛
۱۰. دور کردن شحنگان از اطراف شهرها و ولایات و جلوگیری از ایزدای مردم توسط ایشان؛
۱۱. امن کردن راه حج و ...

نتیجه

در نگاهی فراگیر به کتاب ارزشمند «تاریخ و صاف» چنین برمی‌آید که اگرچه نویسنده در دربار مغولان می‌زیسته و اثر خود را در شرایط دشوار استیلای آنان نگاشته و در مواردی از معدلت مغولان داد سخن داده، در جای‌جای کتاب نیز از نشان دادن فجایع و مضایق فرهنگی و سیاسی فروگذار نکرده است. طبیعتاً ذهن وی به موضوع نظم اجتماعی معطوف نبوده اما شیوه‌ای که در تاریخ‌نگاری برگزیده، شیوه‌ای تحلیلی است. مثلاً در ماجراهای مهمی چون فتح بغداد، قتل سید عمادالدین، قحطی شیراز و فرمانروایی هلاکو، به ریشه‌یابی بی‌طرفانه مسائل می‌پردازد. این نوع تاریخ‌نگاری، به مخاطب امروز مجال می‌دهد که این اثر را بر اساس تئوری‌های مسائل اجتماعی بررسی کند. قتل و غارت‌ها، دسیسه‌ها و خیانت‌ها، ایجاد فضای رعب و نبود

امنیت از جمله موضوعات تکرار شونده در وقایع کتاب است که نمود چشمگیرتری از تدابیر بر جایگاه فرمانروایان عادل و دوره‌های اندک رفاه حال مردمان دارد.

پی‌نوشت

۱. این تقسیم‌بندی براساس مقاله «بررسی کتاب تجزیه‌الامصار و ترجیه‌الاعصار» محمد سلماسی‌زاده ارائه شده است.
۲. هابز معتقد است که وضع طبیعی انسان جنگ است و تکاپوی فرد در پی بقا و کام‌جویی خود، به هم‌چشمی و بدگمانی در حق دیگران می‌انجامد. از این رو به مصلحت انسان است که از این وضع طبیعی جنگ خارج شود. از نظر او خروج از این وضع، تنها به مدد «قانون طبیعی» میسر می‌شود. مقصود هابز از «قانون طبیعی» در کتاب لویاتان آمده است، قانون طبیعی عبارت است از دستور یا قاعده‌عام که عقل آن را کشف کرده باشد و بر مقتضای آن، آدمی از انجام آنچه زندگی وی را تباہ می‌کند یا وسایل زندگی‌اش را از او می‌گیرد و از ندادن کاری که به دیده او مایه بقای زندگی‌اش به بهترین وجه است، نهی می‌شود. «لویاتان، ۱۷-۱۶».
۳. رک: نهج‌البلاغه، خطبه‌های ۲۵ و ۹۶ و نامه ۷۸.
۴. برای توضیح و تفصیل بیشتر رجوع کنید به مقاله «شکار معانی در صحرای بی‌معنی، آسیب‌شناسی فرهنگ ایرانی بعد از مغول» محمدرضا شفیعی کدکنی و کتاب سبک‌شناسی نثر از سیروس شمیسا، ص ۱۷۰ تا ۱۷۴؛ و نیز جامعه‌شناسی در ادبیات فارسی، تألیف فریدون وحید، ص ۲۰۹ تا ۲۵۹.
۵. اتفاق بر سر خانیات وی مربوط به آغاز شکل‌گیری نظم است اما رویکردهای خودسرانه اریغ بوکا در بنا کردن کاخی زرین و ستاندن مالیات‌های خارج از طاق، بی‌کفایتی وی را به اثبات می‌رساند. مواجهه وی با خیانت دست پرورده خویش، آغو و دعوی خانیات اقبلا، باعث سرنگونی و هلاکت وی می‌شود (وصاف‌الحضره، ۱۳۸۳، ۱۰-۱۳).
۶. غازان خان علاوه بر مسلمان شدن، تابعیت از خان بزرگ مغول را نیز کنار گذاشت و بدین ترتیب، استقلال حکومت ایلخانی را کامل کرد (مرتضوی، ۱۳۴۱: ۳۰-۲۳). در چنین شرایطی، زمینه برای حضور گسترده‌تر ایرانیان در صحنه سیاسی آماده شد.

منابع

۱. اسماعیلی، محسن. امنیت و شریعت (نظم عمومی در قواعد و احکام فقهی). کتاب نقد، شماره‌های ۱۴ و ۵.
 ۲. آیتی، عبدالمحمد. تحریر و صاف. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران، ۱۳۸۳.
 ۳. بهار، محمدتقی. سبک‌شناسی؛ ج ۳، تهران، ۱۳۷۳.
 ۴. بیرو، آلن. فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقرساروخانی. کیهان. تهران، ۱۳۶۶.
 ۵. چلبی، مسعود. جامعه‌شناسی نظم (تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی). تهران، ۱۳۸۲.
 ۶. سلماسی‌زاده، محمد. «بررسی کتاب تجزیه‌الامصار و ترجیه‌الاعصار، معروف به تاریخ و صاف». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. اسفند ۱۳۸۷.
 ۷. شمیسا، سیروس. سبک‌شناسی نثر. نشر میترا. تهران، ۱۳۸۶.
 ۸. صدیق سروستانی، رحمت‌الله. آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحراف اجتماعی). سمت. تهران، ۱۳۸۷.
 ۹. گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی. منوچهر صبوری. چشمه. تهران، ۱۳۸۱.
 ۱۰. دکتر مرتضوی، منوچهر. دوره ایلخانان ایران. چاپخانه شفق. تبریز، ۱۳۴۱.
 ۱۱. ورسیلی، پیتر. نظریه جامعه‌شناسی نظم. سعید معیذفر. جامعه‌شناسان. تهران، ۱۳۸۸.
 ۱۲. وحید، فریدون. جامعه‌شناسی در ادبیات فارسی. سمت. تهران، ۱۳۸۷.
 ۱۳. یوسف‌زاده، حسن. «نظم اجتماعی در اسلام». مجله معرفت، ش ۱۰۳.
- 17.Hobbes Leviathan. editedwithanintroduction byM. Oa keshott. Oxford 1946.